

پیام هفت  
سخن گفتن روح به کلیساها،  
آن که کلید داوود را دارد،  
و آن که با غلبه کنندگان شام خواهد خورد

خواندن متون مقدس: مکاشفه ۳: ۷-۲۲

۱. در مکاشفه ۲ و ۳، مسیح آن روح است که به همه کلیساها سخن می گوید:

آ. در مکاشفه ۲ و ۳، سخن گفتن مسیح نامحدود، حیات بخش، هفت برابر شدت ۳: ۱، ۷، ۱۴)، تبدیل به سخن گفتن روح حیات بخش هفت برابر شدت یافته شامل تمام به تمام هفت کلیسا در انتهای هر رساله به طور عالمی می شود (۲: ۷، ۱۱، ۱۷، ۲۹؛ ۳: ۶، ۱۳، ۲۲).

ب. از این رو، مسیح سخنگو، روح سخنگو می شود، آن روح که به همه کلیساها سخن می گوید؛ مسیح به یک کلیسای محلی خاص سخن می گوید، و روح به بدن عالمی سخن می گوید.

پ. این نه تنها نشان می دهد که روح، خداوند است، و خداوند، روح است، بلکه همچنین تأکید می کند که در تاریکی تنزل کلیسا، روح به طور حیاتی مهم است، همانطور که توسط روح هفت برابر شدت یافته در ۱: ۴ نشان داده شده است.

ت. آن هفت رساله در مکاشفه ۲ و ۳، سخنانی هستند که توسط خداوند عیسی گفته شده اند، ولی امروز وقتی آنها را می خوانیم، هفت روح خدا این سخنان را به ما در روحمان برای مقصود اقتصاد خدا به ما می گوید؛ کلام خداوند در آغاز هر رساله، خطاب به یک کلیسای محلی بخصوص است، ولی وقتی مردم تمام اعصار آن را می خوانند، تبدیل به سخن روح به همه کلیساها می شود.

ث. سخن گفتن روح همیشه ما را به تزریق کردن مسیح معطوف می کند؛ سخن گفتن روح، تزریق کردن مسیح است - ر.ک. ۲ قرن ۱۸-۱۶: ۱.

۱. هرگاه به سخن گفتن هفت روح خدا به کلیساها گوش می دهیم، بلافاصله تحت یک انتقال نفیس، شیرین و عزیز قرار می گیریم، تزریقی که ما را تغییر می دهد، دگرگون می کند، ما را مصالح مناسب می سازد، و به صورت بنای خدا بنا می کند.

۲. هر آنچه باید به دریاچه آتش برود، توسط آن هفت چراغ سوزانده می شود (مکاشفه ۴: ۵)، و اکنون ما زیر [نظر] آن هفت چشم هستیم (۵: ۶)، و با تمام آنچه مسیح است، تزریق می شویم تا بتوانیم بخشی از اورشلیم نو شویم.

ج. با اینکه ایمانداران در کلیساها در موقعیتی هستند که می توانند سخنان روح را بشنوند و از این رو می توانند به راحتی گوش هایی شنوا داشته باشند، اما همه آنها سخنان او را به دقت دنبال نخواهند کرد. از این جهت، فراخوان [دعوت] برای غلبه کنندگان وجود دارد.

چ. کسانی که گوش دارند تا آنچه روح به کلیساها می گوید را بشنوند، باید بشنوند، و کسانی که می شنوند، غلبه کنندگان خواهند بود:

۱. خداوند همیشه می خواهد گوش های ما را باز کند تا صدای او را بشنویم تا بتوانیم چیزها را طبق اقتصاد او ببینیم - ایوب ۳۳: ۱۴-۱۶؛ اشعیا ۵۰: ۴-۵؛ خروج ۲۱: ۶.

۲. گوش های سنگین باید ختنه شوند - ارمیا ۶: ۱۰؛ اعمال ۷: ۵۱.

۳. گوش های گناهکاران باید با خون بازخیرکننده پاک شوند و با روح مسح شوند - لاویان ۱۴: ۱۴، ۱۷، ۲۸.

۴. برای خدمت به خداوند به عنوان کاهنان، باید گوش هایمان با خون بازخیرکننده پاک شوند - خروج ۲۹: ۲۰؛ لاویان ۸: ۲۳-۲۴.

۵. همانطور که روح به کلیساها سخن می گوید، ما همه به گوش های باز، ختنه شده، پاک و مسح شده نیاز داریم تا سخنان روح را بشنویم.

ح. سخنان روح، در مورد هفت نوع کلیسا در تاریخ کلیساست: کلیسای آغازین (اِفِسُس)، کلیسای رنج‌کشیده (اسمیرنا)، کلیسای دنیوی (پِراگاموم)، کلیسای مرتد (تِیاتیرا)، کلیسای اصلاح‌شده (سارِیس)، کلیسای بازپایی شده (فیلادلفیه)، و کلیسای بازپایی شدهٔ تنزل کرده (لائودیکیه):

۱. چهار نوع آخر کلیساها تا زمان بازگشت خداوند باقی خواهند ماند.
۲. بدون شک، فقط کلیسای بازپایی شده می‌تواند مقصود جاودان خدا را برآورده کند، و فقط او آن چیزی است که خداوند به دنبال آن است؛ ما باید انتخاب خداوند را در پیش گیریم.
۳. لائودیکیه، یک فیلادلفیۀ تحریف شده است، که دارای ولرم بودن و غرور روحانی است – مکاشفه ۳: ۱۴-۱۷:

(آ) لائودیکیه به معنای دانستن همه چیز ولی در واقعیت اشتیاق به هیچ چیز نداشتن است؛ در اسم (ظاهر) همه چیز دارد، ولی نمی‌تواند زندگی خود را برای هیچ چیز فدا کند؛ جلال سابق خود را به یاد می‌آورد ولی وضع فعلی خود در برابر خدا را فراموش می‌کند.

(ب) اگر می‌خواهیم راه فیلادلفیه را ادامه دهیم، باید به یاد داشته باشیم که خود را در برابر خدا فروتن کنیم – ر.ک. آ. ۷-۲۲؛ اشعیا ۵۷: ۱۵؛ ۶۶: ۱-۲.

۲. در کلیسای بازپایی شده (فیلادلفیه)، مسیح به عنوان آن که کلید (خزانۀ) خانهٔ خدا (که نماد آن خاندان داوود برای بناسازی پادشاهی خداست) بر دوش او قرار گرفته است، دیده می‌شود – ۲۲: ۲۲؛ مکاشفه ۳: ۷:

آ. برای کلیسای بازپایی شده، مسیح، آن که کلید داوود، کلید پادشاهی، را با اقتدار باز و بسته می‌کند است؛ خداوند به کلیسای بازپایی شده که در یکدلی است، دری باز داده است که هیچ کس نمی‌تواند آن را ببندد – آ. ۸؛ ر.ک. مزامیر ۱۳۳.

ب. کلید داوود در را برای ما باز می‌کند تا به صورت سنگی سفید دگرگون شویم و به عنوان ستونی با نام خدا، نام اورشلیم نو، و نام جدید خداوند، به درون خانه خدا بنا شویم – مکاشفه ۲: ۱۷؛ ۳: ۱۲:

۱. برای ما که به درون خدا بنا شده، جزء سازنده ای از اورشلیم نو شویم، و بخشی از مسیح جدید شویم، از نظر انسانی غیرممکن است، ولی قانون روح حیات در درون ما شامل عنصری است که با غیرممکن بودن سروکار دارد – رومیان ۸: ۲؛ مکاشفه ۳: ۷-۱۳؛ ر.ک. پیدایش ۲۸: ۱۹-۱۲؛ یوحنا ۱: ۵۱.

۲. مسیح دارای کلید کنترل درب خزانۀ خداست، که در آن، غنای خدا در مسیح برای مسرت ما وجود دارد. ما توسط او هم باز کردن و هم بستن این غنا به ما را تجربه کرده‌ایم – افسسیان ۴: ۳۰؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۷؛ ۱ یوحنا ۱: ۷، ۹:

(آ) برای اینکه از غنای او به عنوان گنج مسرت ببریم، باید با خداوند در ارتباط باشیم، با خداوند طبق حس حیات در تماس باشیم، فقیر در روح و خالص در دل باشیم – ۲ قرنتیان ۲: ۱۰؛ رومیان ۸: ۶؛ ۱۰: ۱۲-۱۳؛ کولسیان ۳: ۱۶؛ متی ۵: ۳، ۸.

(ب) برای مسرت بردن از غنای او به عنوان گنج، باید یاد بگیریم که کلیدهای انکار نفس، برگرفتن صلیب، و از دست دادن زندگی روان [جان] را به کار گیریم؛ همه ما «شَبنا» هستیم که باید برکنار شویم و مسیح جایگزین ما شود تا او همه چیز در ما و برای ما باشد و همه کار را از طریق ما و برای ما انجام دهد – اشعیا ۲۲: ۱۵-۱۹؛ متی ۱۶: ۲۴-۲۵.

۳. در کلیسای بازپایی شدهٔ تنزل کرده، مسیح به عنوان آن که با غلبه کنندگان شام خواهد خورد دیده می‌شود و این را به غلبه کنندگان می‌دهد که با او بر تخت او بنشینند، همانطور که او غلبه کرد و با پدرش بر تخت او نشست – مکاشفه ۳: ۲۰-۲۱:

آ. «اینک بر در ایستاده می‌گویم؛ اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند، به نزد او درخواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من» – آ. ۲۰:

۱. در، در قلب افراد نیست، بلکه در کلیساست؛ خداوند به عنوان سر کلیسا، بیرون کلیسای تنزل کرده ایستاده، بر در آن می‌کوبد.
۲. در، در کلیساست، ولی در توسط افراد ایماندار باز می‌شود؛ کلیسای لائودیکه دانش دارد، ولی حضور خداوند را ندارد.
۳. در نظر خداوند، کلیسای بازیابی شده تنزل کرده (۱) بدبخت است زیرا از غنی بودن در دانش بیهوده آموزه، مغرور است، ولی در واقع در تجربه غنای مسیح، به شدت فقیر است؛ (۲) اسف انگیز است زیرا عریان، کور و پر از شرم و تاریکی است؛ (۳) فقیر است زیرا در تجربه مسیح و در واقعیت روحانی اقتصاد خدا، فقیر است؛ (۴) کور است زیرا فاقد بینایی روحانی حقیقی در امور روحانی اصیل است؛ و (۵) عریان است زیرا توسط مسیح زندگی نمی‌کند یا مسیح را به عنوان عدالت باطنی خود، به عنوان لباس دوم در گام برداشتن [رفتار] روزانه‌اش زیست نمی‌کند – آ. ۱۷-۱۵؛ ر.ک. مزامیر ۴۵: ۱، ۹-۱۴.
۴. خداوند به کل کلیسا رسیدگی می‌کند، ولی پذیرش رسیدگی خداوند باید یک مورد شخصی و باطنی باشد.
۵. شام خوردن با خداوند، صرفاً خوردن یک نوع غذا نیست، بلکه سهیم شدن در غنای یک وعده غذایی، یک ضیافت است؛ این می‌تواند به معنای تحقق نماد فرزندان اسرائیل باشد که از محصول غنی سرزمین نیکوی کنعان می‌خوردند – یوشع ۵: ۱۰-۱۲.
۶. از طریق مسرت ما از مسیح به عنوان درخت حیات، مَنای پنهان، و ضیافت، ما در ساختارمان به عنوان یک موجودیت با او آمیخته خواهیم شد تا او را به عنوان اورشلیم نو ابراز کنیم – مکاشفه ۲: ۷، ۱۷؛ ۳: ۲۰.
- ب. «آنکه غالب آید، این را به وی خواهیم داد که بر تخت من با من بنشیند، چنانکه من غلبه یافته‌ام و با پدر خود بر تخت او نشستم» – آ. ۲۱:
۱. نشستن با خداوند بر تخت او، جایزه‌ای برای غلبه کننده خواهد بود، تا بتواند در اقتدار خداوند شرکت کند و یک هم-پادشاه با او در حکمرانی بر کل زمین، در پادشاهی هزار ساله آینده باشد – لوقا ۱۹: ۱۱-۲۷؛ متی ۲۵: ۲۱، ۲۳.
۲. قصد خدا این است که خود را در انسان بنهد و بر انسان کار کند تا انسان بتواند بر تخت باشد؛ میل او این است که ما را مردم تخت سازد – مکاشفه ۲: ۲۶-۲۷؛ ۳: ۲۱؛ ۲۲: ۵؛ ر.ک. اشعیا ۱۴: ۱۲-۱۴.
۳. از طریق مصلوب شدن، رستاخیز و صعودش، خداوند عیسی به تخت آورده شد؛ یک انسان واقعی به نام عیسی، بر تخت است (حزقیال ۱: ۲۶)؛ اکنون امروز، خداوند آسمان و زمین، خداوند عالم، یک انسان است؛ به این دلیل است که اعلام می‌کنیم، «عیسی، خداوند است»، و به این دلیل است که صدا می‌زنیم، «اوه خداوند عیسی».
۴. خداوند عیسی راه را به سوی تخت سلطنت رهبری کرد؛ او پیشگام، پیشرو بود (عبرانیان ۶: ۲۰؛ ۲: ۹-۶)، که راه را به سوی تخت باز کرد؛ او راه را باز کرده و رهبری را به عهده گرفته است تا ما بتوانیم دنبال کنیم (آ. ۱۰-۱۲).
۵. اکنون ما به سوی تخت سلطنت رژه می‌رویم، زیرا خدا قصد دارد ما را به جلال برساند و بر تخت سلطنت بنشانند؛ خدا مایل است خود را از طریق انسان ظاهر کند، و او مایل است از طریق انسان سلطنت، اداره کند؛ قصد خدا این است که شیطان را به زیر افکند و بسیاری از کسانی را که توسط شیطان اسیر شده‌اند، بازخیر کند و به تخت سلطنت خود بیاورد.
۶. ما خوانده شده‌ایم که پسران خدا باشیم، و تعیین شده ایم که پادشاه باشیم، ولی به خدا نیاز داریم که در ما و بر ما کار کند تا ما را برای مقام پادشاهی واجد شرایط کند – رومیان ۵: ۱۷، ۲۱؛ ر.ک. حزقیال ۱: ۲۲، ۲۶؛ متی ۸: ۹.